

واکاوی سازوکار مسئولیت مدنی بانک‌ها در پرتو تحلیل قانون اصلاحی صدور چک ۱۳۹۷

مهسا ستاری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸

چکیده

در عملیات بانکی، همواره احتمال خسارت دیدگی مشتریان وجود دارد، با توجه به کاربرد گسترده چک در معاملات و حمایت از حقوق دارندگان، کارایی مقررات مربوط به جبران خسارت در فرض تقصیر نظام بانکی حائز اهمیت است. قانون گذار با اصلاح قانون صدور چک مصوب ۱۳۹۷ با رویکردی پیشگیرانه، ضمن به‌روزرسانی و به‌کارگیری زیرساخت‌های فناوری اطلاعات مانند سامانه صیاد و نهاب، سامانه ملی اعتبارسنجی و... موجب پیچیدگی تعاملات بین بانک و گروه‌های ذی‌نفع و افزایش ضریب خطا و ریسک در عملیات بانکی مربوط به چک شده است. با توجه به اینکه کارکنان و مدیران بانک‌ها بازوان اجرایی ارائه خدمات بانکداری محسوب می‌گردند و ممکن است سهل‌انگاری و عدم رعایت مقررات قانونی توسط آن‌ها موجب بروز خسارت گردد، در قانون اصلاحی صدور چک ۱۳۹۷، برای بانک‌ها و کارمندان و مدیران آن‌ها در قبال عدم انجام تکالیف، ضمانت اجرایی پیش‌بینی شده است، اما اینکه چه کسی و تا چه حدی و مبتنی بر کدام نظریه بایستی جبران خسارت کند، دارای ابهامات و چالش‌هایی می‌باشد، در این راستا، بررسی اینکه سیاست‌ها و نوآوری‌های در نظر گرفته شده تا چه حدی مؤثر در افزایش اعتبار چک و حفظ حقوق دارنده واقع می‌گردد، نیازمند بررسی مبانی مسئولیت بانک‌ها و کارمندان و مدیران آن‌ها و چالش‌های قانون اصلاحی صدور چک ۱۳۹۷ می‌باشد و عدم بررسی این موضوع موجب تشتت آرای قضایی در این زمینه می‌گردد. به نظر می‌رسد، نظریه مسئولیت محض بانک‌ها و استناد به آن می‌تواند موجب افزایش ضریب اطمینان مشتریان نسبت به عملیات مربوط به چک گردد. رویکرد این نوشتار توصیفی-تحلیلی و انتقادی می‌باشد و مطالب با استفاده از منابع کتابخانه‌ای-دیجیتالی گردآوری شده است.

واژگان کلیدی

مسئولیت بانک‌ها، مسئولیت مدنی، جبران خسارت، قانون صدور چک

^۱ کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (m_satory96@atu.ac.ir)

۱. مقدمه

به کارگیری چک به جای پول، موجب سازمان‌دهی وجوه سرگردان نقدی و رونق اقتصادی در جامعه می‌گردد (فرح‌بخش، ۱۳۸۲: ۳). امروزه بخش عمده‌ای از معاملات از طریق چک انجام می‌شود و با توجه به کاربرد حقوقی و اقتصادی چک، سؤاستفاده از آن پیامدهای زیان‌بار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به همراه خواهد داشت، در این راستا، افزایش کارایی و مقبولیت چک در معاملات تجاری، موجب به کارگیری مانده‌حساب دارندگان حساب در اعطای تسهیلات و سرمایه‌گذاری خواهد شد (کاشانی‌نیا و کریمیان، ۱۳۸۱: ۱۴۶-۱۳۵).

استفاده از سازوکارها و فناوری‌های پیشرفته، بانک‌ها را قادر می‌سازد تا از مشکلات نظام‌های سنتی و کاغذی و هرگونه ناکارآمدی رها شوند. اگر چه تلاش در جهت ایجاد سازوکار بانکداری کاملاً الکترونیکی هنوز محقق نشده است؛ بنابراین وجود کارکنان به عنوان بازوان اجرایی سازمان بانکی و به‌عنوان واسطه ضروری. سازوکارهای نوین بانکی، موجب گشوده شدن دریچه‌ی جدیدی از فرصت‌ها در نظام بانکداری می‌گردد و خدماتی بدون مرز به کاربران ارائه می‌کند، اما گذر از بانکداری سنتی به بانکداری الکترونیکی با چالش‌هایی روبرو است (Mia & others, 2007: 12). (13) اگر چه ارائه خدمات بانکداری به شیوه‌های نوین، با به کارگیری سامانه‌های اینترنتی، موجب استحکام و گسترش روابط با گروه‌های ذی‌نفع و جلب اعتماد بیشتر آنها نسبت به روش‌های سنتی می‌شود (Ibboston, 2003: 119). در این راستا، انجام الکترونیکی شدن فرآیندهای مربوط به چک از طرفی می‌تواند امکان دسترسی به سامانه‌هایی که مصون از خطای انسانی می‌باشند را فراهم نماید و موجب افزایش اطمینان و سرعت در عملیات بانکی گردد و گامی در جهت افزایش کیفیت خدمات مربوط به چک محسوب شود، از طرفی به کارگیری این سازوکارها ریسک عملیات و امکان بروز خطا را بالا برده و درعین حال اثبات عامل ورود زیان را با دشواری روبرو می‌نماید؛ بنابراین، با توجه به تغییرات در عملیات سنتی مرتبط با چک، ضروری است مسئولیت بانک‌ها و کارکنان آنها در راستای حمایت از حقوق دارنده و صادرکننده چک بررسی گردد.

در قوانین پیشین، یکی از مواردی که در مقررات چک نادیده گرفته می‌شد، نقش و مسئولیت کارمندان و بانک‌ها در پیشگیری از چک بلامحل بود، چرا که یکی از عوامل مهم ترغیب‌کننده افراد برای قبول چک، این تصور است که بانک به دلیل محال‌علیه بودن، از موجودی و اعتبار صادرکننده اطمینان حاصل کرده است؛ در نتیجه به‌صرف وجود ضمانت اجرای کیفی، چک را قبول نکرده‌اند (اسکینی، ۱۳۸۲: ۱۸۱).

لازم به ذکر است، روند ماشین‌ساز و صنعتی شدن، جوامع را با دشواری‌های نوینی مواجه ساخته است و در عین حال بر تعداد فعالیت‌های پرمخاطره افزوده گردیده است، در نتیجه انسان‌ها دیگر به راحتی تسلیم سرنوشت نمی‌شوند و اکتفا به مفاهیمی همچون بدشناسی را برنمی‌تابند، به همین دلیل جامعه خواهان استقرار دولت رفاه همگانی می‌گردد، تا ضریب امنیت را در جامعه ارتقا بخشد، در این راستا، پدیدار شدن نظریه خطر در مسئولیت مدنی و شکستن مرزهای نظریه تقصیر که به جبران خسارت‌های ناشی از فعالیت خطرناک منجر شد، خود پاسخ مثبت نهادهای سیاست‌گذاری به یک مطالبه اجتماعی تلقی می‌شود (ژوردن، ۱۳۸۵: ۹۵-۹۴). هدف از مسئولیت مدنی تعدیل روابط اجتماعی و حفاظت از

هنجارهای رفتاری و حقوق و دارایی‌های افراد می‌باشد (بابایی، ۱۳۹۸: ۲۱). به نظر می‌رسد مسئولیت مدنی به دلیل قابلیت انعطاف، می‌تواند با تغییرات فناوری و اوضاع و احوال خاص هر پرونده تطبیق یابد و به دنبال بهترین راهکار جهت الزام افراد به رعایت سازوکارهای نظارتی و احتمال مواجه شدن آنها با مسئولیت است (بادینی و عباسی، ۱۳۹۶: ۵۴). در این راستا، هدف از این پژوهش بررسی مسئولیت مدنی بانک‌ها در جهت افزایش مقبولیت و افزایش ضریب اطمینان فرایندهای بانکی مربوط به چک با توجه به اصلاحیه قانون صدور چک مصوب ۱۳۹۷ می‌باشد؛ چرا که این قانون در خصوص مسئولیت کارمندان و بانک‌ها با ابهامات و چالش‌هایی مواجه است. در این نوشتار، مباحث از بیان وضعیت فعلی (هست‌ها)، آغاز می‌گردد تا وضعیت مطلوب (بایدها) نتیجه‌گیری شود و به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود:

مسئولیت بانک با توجه به سازوکار پیش‌بینی شده در قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب ۱۳۹۷، از چه نوعی است و بر چه مبانی استوار است؟ این قانون در خصوص سازوکار جبران خسارت با چه ابهامات و چالش‌هایی مواجه است؟ سازوکار کارآمد مسئولیت بانک در جهت افزایش مقبولیت و ضریب اطمینان مقررات مربوط به چک چیست؟

۲. ادبیات و چارچوب نظری

در این پژوهش، در ابتدا مفهوم مسئولیت مدنی و ضمانت اجراهای مندرج در قانون صدور چک در خصوص مسئولیت مدنی بانک‌ها و مفهوم خطای کارمندان و مدیران تبیین و بررسی می‌گردد و سپس مبانی حقوقی مسئولیت بانک‌ها و چالش‌ها و راهکارهای تقنینی و قضایی آن مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۲-۱. مفهوم مسئولیت مدنی

واژه مسئول، در لغت به معنای پرسیده شده و خواسته شده است و شخص پاسخگو و عامل به انجام وظیفه را مسئول می‌گویند (عمید، ۱۳۴۵: ۴۶۰، دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۸۴۶۴). مسئولیت، مصدری جعلی از مسئول و از ریشه "سأل" و به معنای به عهده گرفتن، ملتزم شدن، کفیل شدن و موظف بودن به انجام امری است (معین، ۱۳۷۱، ۴۰۷۷). در اصطلاح حقوق مدنی به معنای به تعهد قانونی شخص، بر رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است، خواه این ضرر ناشی از تقصیر شخصی یا ناشی از فعالیت او باشد. در فقه، مسئولیت مترادف با لفظ ضمان به کار می‌رود و شامل هر نوع مسئولیت اعم از مالی و کیفری می‌گردد (لنگرودی، ۱۳۸۷: ۶۴۲). مسئولیت مدنی، به مفهوم ملزم بودن شخص به جبران خسارتی است که بدون مجوز قانونی به دیگری وارد شده است (امامی، ۱۳۵۲: ۹). در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد، در برابر او مسئولیت مدنی دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۳۴). اشخاصی که به نحوی موجب لطمه به دارایی و حقوق مادی و معنوی افراد می‌شوند، مسئول جبران خسارت وارده شناخته می‌شوند (بابایی، ۱۳۹۸: ۱۳۲). لازم به ذکر است، مسئولیت مدنی عرصه تلاقی منفعت‌های گوناگون و متضاد فردی و اجتماعی است و اگر منکر این واقعیت شویم و دیدگاهی که در ماده یک قانون مسئولیت مدنی را برگزینیم، مسئولیت مدنی را مدارای بسته و ناکارآمد گرفتار خواهیم کرد، در واقع با فرمولیزه کردن نحوه جبران خسارت به سبکی واحد در خلاف جهت تحقق عدالت اجتماعی گام برمی‌داریم (رحیمی و طرف، ۱۳۹۷: ۸۴-۸۰). نظام مسئولیت مدنی در فقه اسلامی و به تبع قانون مدنی یک نظام

کثرت گراست؛ در نتیجه نظام مسئولیت مدنی در قانون مدنی به تبعیت از فقه امامیه، مبتنی بر تقصیر نیست؛ در هیچ یک از منابع ضمان مذکور در قانون مدنی تقصیر شرط ایجاد ضمان نیست؛ به این مفهوم که یک قاعده عام مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران وجود ندارد (کاظمی و اسکویی، ۱۳۹۸: ۱۹۸۵-۱۹۸۴). اهداف مسئولیت مدنی نیز شامل جبران کامل خسارت از زیان دیده، اعم از فردی (تنبیه) و عمومی (حفظ صلح و ثبات، نظم و عدالت در جامعه) می‌باشند (میرزایی گرمی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۴۲). در خصوص کارکرد مسئولیت مدنی عده‌ای از حقوقدانان بر این باورند که مسئولیت مدنی بیشتر نظامی بازدارنده و راهکاری برای کنترل رفتار در آینده است تا سازوکاری برای جبران خسارت (بادینی، ۱۳۸۴: ۳۵۷)؛ بنابراین سازوکارهای مسئولیت مدنی بانک‌ها بایستی به گونه‌ای تبیین گردد که هم خسارت به‌طور کامل جبران گردد و هم جنبه بازدارندگی داشته باشد.

۱-۲. مسئولان چک قبل از اصلاح قانون صدور چک:

طبق ماده ۲۴۹ قانون تجارت، صادرکننده، ظهرنویس‌ها و ضامن‌ها دارای مسئولیت تضامنی می‌باشند و شرط تحقق مسئولیت تضامنی، رجوع به محال‌علیه در مهلت مقرر شده و گرفتن گواهی عدم پرداخت و اقامه دعوا است. مسئولیت تضامنی، به معنای رجوع دارنده برای دریافت وجه چک، به هر یک از مسئولین برای دریافت کل مبلغ چک یا مابقی آن در صورت کسر موجودی است (تهرانی، ۱۳۸۴: ۱۰۲)؛ گفتنی است، در قانون صدور چک قبل از اصلاح در سال ۱۳۹۷ و اصلاحات آن در سال ۱۴۰۰، برای بانک و کارکنان آن مسئولیت مدنی پیش‌بینی نشده بود.

۲-۱-۲. مسئولیت بانک طبق قانون اصلاح قانون صدور چک ۱۳۹۷:

مستفاد از لایحه اصلاحی قانون صدور چک ۹۷، برای بانک‌ها تکالیفی جدید مقرر شده است، از جمله، تجمع اطلاعات، گواهینامه‌های عدم پرداخت و آرای قطعی محاکم درباره چک در سامانه یکپارچه خود، جهت امکان دسترسی بر خط بانک‌ها و مؤسسات اعتباری را به سوابق صدور و پرداخت چک و امکان استعلام برای مراجع قضایی و ثبتی از طریق شبکه ملی عدالت و فراهم کردن امکان استعلام آخرین وضعیت صادرکننده چک شامل سقف اعتبار مجاز، سابقه چک برگشتی در سه سال اخیر و میزان تعهدات چک‌های تسویه نشده، برای کسانی که قصد دریافت چک را دارند. طبق تبصره ۵ ماده ۵ مکرر (الحاقی ۱۳۹۷) و ماده ۲۵ برای کارمندان خاطی و مسئول شعب ضمانت اجرایی در نظر گرفته شده است. گفتنی است، در نظر گرفتن مسئولیت برای بانک‌ها نقطه عطفی در اصلاحات قانون صدور چک محسوب می‌شود. ماهیت مراودات بانکی به گونه‌ای است که ممکن است زنجیره‌ای از عوامل از جمله سهل‌انگاری مشتریان، تقصیر و خطای کارمندان، نقص در نرم‌افزارها و... موجب بروز خسارت گردد.

۲-۲. مفهوم خطای کارمندان

خطای اداری عبارت است از تقصیرهای متعارفی و اشتباهاتی که غیرقابل اجتناب است و مسئولیت آن باید به عهده دولت باشد، ولی اگر اشتباهات از حدود متعارف که تشخیص آن به عهده قاضی است، خارج شود، خطای شخصی محسوب می‌شود و بایستی از عهده جبران آن برآید (مؤتمنی طباطبایی، ۱۳۷۹: ۴۰۱). در واقع مهم‌ترین ویژگی خطای اداری این است که تقصیر کارکنان در حین انجام وظیفه یک تقصیر حرفه‌ای به شمار می‌رود، به این شرح که اگر کارمند در ایفای

وظایف خود مرتکب خطای سبک و غیر عمدی گردد، تقصیر او اداری است و اداره بایستی مسئول باشد و زمانی که رفتار او عمداً صورت گرفته است، تقصیر شخصی است و خود او مسئول است (غمامی، ۱۳۷۶: ۲۵-۳۳). در تشخیص خطای فنی یا حرفه‌ای، شخص متعارف در آن صنف ملاک قرار می‌گیرد (رستمی و بهادری جهرمی، ۱۳۸۸: ۶۹). لازم به ذکر است که در سازوکار بانکداری سطوح مختلفی وجود دارد و نوع تقصیر و ملاک ارزیابی آن با توجه به درجه شغلی آن‌ها سنجیده می‌شود و تقصیر و خطای کارمندان ممکن است با سایر ادارات قابل قیاس نباشد.

۳. مبانی حقوقی مسئولیت مدنی کارمندان و بانک‌ها

مسئولیت مدنی شامل مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی است. در خصوص مسئولیت بانک‌ها قوانین عادی مسئولیت مدنی بیانگر قواعد عام مسئولیت مدنی می‌باشند و دسته دیگر از قوانین با توجه به ویژگی خاص بانکداری وضع شده‌اند؛ بنابراین مسئولیت مدنی در این زمینه را می‌توان طبق قوانین مسئولیت مدنی و قانون صدور چک و قانون پولی و بانکی، واکاوی نمود.

۳-۱. مسئولیت قراردادی

مسئولیت قراردادی، به مفهوم عدم ایفای تعهد از سوی بانک در قبال مشتریان به استناد قرارداد فی‌مابین یعنی افتتاح حساب یا مجوز صدور دسته‌چک است. در این راستا، به استناد مسئولیت قراردادی می‌توان بانک را محکوم به جبران خسارت کرد. با این توضیح که زمانی که اشخاص برای دریافت دسته‌چک و افتتاح حساب به بانک مراجعه می‌کنند، در واقع با بانک رابطه قراردادی دارند و باید نظام خاص مسئولیت قراردادی را پیاده‌سازی کرد و در جایی که قراردادی وجود ندارد و یا در ماهیت قراردادی بودن آن تردید وجود داشته باشد، اصل بر رابطه غیر قراردادی است (السان، ۱۳۹۰: ۱۱۰). در مسئولیت قراردادی، چه عدم انجام تعهدات ناشی از تقصیر و خطا باشد و چه از روی عمد، مسئولیت محقق می‌شود (امامی، ۱۳۸۱: ۱۷۰). لازم به ذکر است، در مسئولیت قراردادی اثبات قوه قاهره، موجب معافیت از مسئولیت است. به‌عنوان مثال قطع شبکه اینترنت سراسری موجب عدم انجام وظایف کارمندان مربوط به چک گردد.

۳-۲. مسئولیت خارج از قرارداد

برخلاف مسئولیت قراردادی، مسئولیت غیر قراردادی از قانون نشأت می‌گیرد و در قانون مدنی در مواد ۳۰۱ تا ۳۳۷ مورد بحث قرار گرفته است. در رویه قضایی و دکترین فرانسه، تقصیر را نقص تعهدات قانونی و قراردادی می‌دانند و شامل هر رفتار ضداجتماعی و خطایی را می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۳۴۷). برای ایجاد مسئولیت کافی است منطبق ساده عرفی، ورود ضرر را مستند به شخص بداند و صرف احراز رابطه سببیت بین نقض تعهد و ضرر کافی می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۲۷۴-۲۷۲). در خصوص مفاهیم و دامنه مسئولیت مدنی باید با احتیاط و دقت بیشتری عمل نمود و از ایجاد نظریه کلی که شامل احکامی کلی برای تمامی موارد تکلیف به جبران خسارت وارده به دیگری باشد، اجتناب کرد (بابایی، ۱۳۹۹: ۲۶)؛ بنابراین، در هر مورد بایستی به تفکیک بررسی شود. در فرضی که شرایط مسئولیت قراردادی مهیا می‌باشد، بایستی با احترام به قرارداد فی‌مابین مشتری و بانک و طبق آن به جبران خسارت حکم داد، در غیر این صورت با رجوع به قواعد

عام مسئولیت مدنی خسارت جبران می‌گردد. در خصوص مسئولیت مدنی کارمندان می‌توان به مقرر ماده ۱۱ و ۱۲ قانون مسئولیت مدنی استناد نمود. ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، برخلاف ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی دامنه جبران خسارت را محدود به قشر خاصی (کارمندان و مستخدمین دولت) دانسته است. این ماده از دو قسمت تشکیل شده است، در صدر ماده به خسارت ناشی از بی‌احتیاطی یا عمد کارمندان پرداخته و در انتهای آن به ضرر ناشی از نقص وسایل اداره اشاره شده است.

با توجه به موارد مذکور، خسارت ناشی از تقصیر کارمند، اگر ناشی از عمد یا بی‌احتیاطی وی باشد، بایستی شخصاً جبران نماید و هرگاه خسارت مربوط به نقص وسایل مؤسسه باشد، مؤسسه مسئول شناخته می‌شود. به نظر می‌رسد، واژه کارمند، شامل کلیه کسانی است که یک وظیفه عمومی به آن‌ها محول شده است، اعم از اینکه رابطه کاری او در قالب استخدام رسمی یا پیمانی یا قراردادی باشد و مؤسسات وابسته در ماده مذکور، مؤسسات عمومی غیردولتی را نیز در برمی‌گیرد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳: ۳۳۲-۳۳۹). طبق این ماده کارمندان بانک، در صورت تقصیر شخصاً مسئول هستند و در صورتی که ناشی از نقص وسایل و تجهیزات بانک باشد، بانک مسئول است، در واقع این ماده جبران خسارت را منوط به اثبات تقصیر متوجه کارمندان بانک دانسته است و منظور از تقصیر در این ماده، تقصیر اداری است و در صورتی که نقص وسایل اداری اثبات گردد، مسئولیت با بانک می‌باشد. لازم به ذکر است، برای مسئولیت مدنی مبانی مختلفی شامل نظریه تقصیر، ایجاد خطر، مسئولیت محض و مطلق در نظر گرفته شده است.

مطابق نظریه تقصیر^۱، زیان دیده باید ثابت کند که ایراد خسارت ناشی از تقصیر و خطای زیان دیده بوده است. در واقع، مسئولیت مدنی در صورتی محقق می‌شود که اشخاص با بی‌احتیاطی و تقصیر یا اعمال خلاف مقررات موجب ایراد خسارت به دیگران شده‌اند (بابایی، ۱۳۹۸: ۱۳۳-۱۳۲)؛ بنابراین، در صورتی که زیان دیده نتواند تقصیر را ثابت کند، خسارت بدون جبران خواهد ماند که برخلاف عدالت و انصاف است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳، ۶۸). طبق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، اثبات و تحمیل مسئولیت به دولت و مؤسسات وابسته به آن و تکلیف بانک به جبران خسارت، در مواردی که عوامل و کارمندان یکی از دستگاه‌های دولتی منجر به ورود خسارت شده‌اند، با دشواری روبرو است (وطني اجیرلو و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۵۱۱). استناد به ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی متضمن حمایت کافی و کارآمد از زیان دیده نیست، زیرا با در نظر گرفتن مبانی تقصیر، اثبات تقصیر کارمند، با دشواری روبرو است، در این راستا، نظریه تقصیر رد می‌گردد چرا که پذیرش آن تبعاتی منفی به همراه دارد، زیرا زیان دیده ممکن است با شخصی مواجه است که توانایی مالی کافی جهت جبران خسارت نداشته باشد؛ همچنین، زیان دیده با مسیری دشوار برای اثبات تقصیر کارمند مواجه است.

همان‌گونه که بیان گردید، در فرض نقص در سیستم اداری، بانک مسئول جبران خسارت شناخته خواهد شد، به طور مثال به علت نقص در سیستم اداری بانک و یا فراهم نکردن زیرساخت‌های لازم، کارمندان قادر به ثبت غیرقابل پرداخت

¹ Negligence

بودن چک و مسدودی حساب‌های صادرکننده و سایر وظایف مذکور در قانون اصلاحی قانون صدور چک نباشند و متعاقب آن به دارنده چک خسارت وارد گردد؛ به عنوان مثال، به علت نقص سامانه علی‌رغم وجود موجودی حساب، چک برگشت‌خورده و حساب‌های صادرکننده مسدود گردد و وی متضرر گردد. در خصوص استثنای این ماده باید بیان نمود بانکداری جز اعمال تصدی‌گری دولت محسوب می‌شود و در نتیجه بانک موظف به جبران خسارت ناشی از فعل زیان‌بار کارمند خود در فرض نقص در سیستم می‌باشد.

ماده دیگری که در قوانین عام مسئولیت مدنی می‌توان به آن استناد کرد، ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی می‌باشد. در صورتی که قرارداد فی‌مابین بانک و کارمندان، تابع قانون کار باشد و یا بانک‌ها در مقام کارفرما با برخی از افراد یا شرکت‌های زیرمجموعه خود در قالب قانون کار، قرارداد منعقد کنند، مشمول ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی می‌باشند (محقق داماد و مرادی، ۱۳۹۷، ۱۰۶-۱۰۵). در واقع تنها بانک‌های خصوصی و شرکت‌های تابع مشمول این ماده می‌باشند و با توجه به قید شرط مرتبط یا به مناسبت وظیفه اداری، بایستی بیان نمود که در این ماده تنها خطای اداری مدنظر قرار گرفته است؛ همچنین باید اذعان نمود در این ماده مسئولیت کارفرما، فرع بر مسئولیت کارگر است و جنبه حمایتی دارد، در این فرض رابطه کارگر و کارفرمایی بین مستخدمین و بانک می‌باشد، بنابراین در این مقرر نیز منظور از کارفرما بانک می‌باشد، نه مدیران. در این راستا، با استناد به این ماده می‌توان بانک‌های خصوصی و شرکت‌های تابع آن را طبق شرایط مذکور، مسئول جبران خسارت وارده تلقی نمود که نسبت به مقرر ماده ۱۱ از مبنای کارآمدتری برخوردار است، اما این ماده نیز همان‌طور که بیان شد با این چالش مواجه است که بانک‌های دولتی از شمول آن خارج می‌باشند.

گفتنی است، مبنای مسئولیت کارفرما در ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، نظریه خطر (ریسک) است (بابایی، ۱۳۸۰: ۳۸). در فرض ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، بانک پس از جبران خسارت می‌تواند به کارمند متخلف رجوع کند (میرشکاری، ۱۳۹۳، ۶۱-۶۰). مسئولیت بانک را بایستی در این موارد تبعی دانست، در این موارد بانک در واقع مسئول عملکرد کارمند است که به آن مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع اطلاق می‌گردد (یزدانیان، ۱۳۸۶، ۳۶). طبق ماده ۹۱ قانون کار، کارفرمایان و مسئولان مکلف‌اند برای تأمین حفاظت در محیط کار وسایل و امانات لازم را تهیه و در اختیار آنان قرار دهند و چگونگی کاربرد وسایل را به آن‌ها آموزش دهند؛ بنابراین، مسئولیت فراهم نمودن وسایل و زیرساخت‌ها با مدیریت بانک و مسئولان مربوطه می‌باشد. در فرض این ماده نیز بانک در فرضی که کارمند عمداً خسارتی وارد کرده باشد، ملزم به جبران خسارت نیست و تنها در صورتی که کارمند مسئول ورود خسارت باشد، بانک می‌تواند پس از جبران خسارت به وی مراجعه کند.

۳-۳. بررسی مسئولیت بانک‌ها طبق قوانین خاص

طبق بند ج ماده ۳۵ قانون پولی و بانکی، هر بانکی (اعم از دولتی و خصوصی) در مقابل خساراتی که در اثر عملیات آن متوجه مشتریان می‌شود، مسئول و متعهد جبران خواهد بود. طبق این ماده، مبنای مسئولیت بانک‌ها مطلق می‌باشد، زیرا در

این ماده جبران خسارت منوط به اثبات تخلف یا تقصیر نیست و تا زمانی که این قانون در حوزه حقوق بانکی وجود دارد استناد به قانون مسئولیت مدنی نارواست (میرشکاری، ۱۳۹۳: ۶۸). مسئولیت مطلق^۲، مسئولیتی است که صرف ایراد ضرر برای ایجاد مسئولیت کافی است و مستلزم اثبات تقصیر و تخلف نمی‌باشد، مطابق با این نظریه، اولویت با حقوق و منافع زیان‌دیده است. این گرایش به رعایت انصاف منتسب می‌باشد و این‌گونه لحاظ شده است که اگر از فعل یا ترک فعل شخصی خسارتی وارد شود، هر چند بدون ارتکاب تقصیر و خطا، طبق مقتضای عدالت و انصاف باید بار تحمل خسارت وارده به عهده کسی گذارده شود که خسارت از عمل او ناشی شده است (بابایی، ۱۳۹۸: ۱۳۳). ماده ۳۵ قانون پولی و بانکی نیز از دو قسمت تشکیل شده است: مسئولیت بانک و مسئولیت مدیران بانک. در این ماده تعهد بانک به جبران خسارت، از نوع تعهد به نتیجه می‌باشد و تعهد مدیران را ناشی از تقصیر اعلام کرده است و آن‌ها حتی مسئولیت خطای شخصی نیز خواهند بود (مسعودی، ۱۳۸۷: ۹۰). در واقع برخلاف تصور برخی حقوق‌دانان و قضاتی که مسئولیت بانک‌ها را مشمول ماده ۱۱ و ۱۲ قانون مسئولیت مدنی می‌دانند، با توجه به تاجر بودن بانک و ماهیت خاص آن و عملیات نوین پیش‌بینی شده در قانون اصلاح قانون صدور چک و به استناد قانون پولی بانکی بایستی مبنای مسئولیت بانک را مسئولیت محض تلقی نمود (کریمی و مرادی، ۱۳۹۶: ۱۴۲). با پذیرش این مبنا، تبعات منفی نظریه تقصیر برطرف می‌گردد، چرا که اثبات این امر که کارمندان طبق انسان متعارف و عرف بانکداری رفتار کرده‌اند، بانک را از جبران خسارت معاف نمی‌کند، با توجه به اینکه اثبات این امر با امعان نظر به روابط طولی در بانک‌ها و شرکت‌های فناوری اطلاعات و نرم‌افزاری زیر مجموعه با دشواری روبرو است، در این صورت تنها استناد به قوه قاهره می‌تواند موجب معافیت از جبران خسارت گردد. مفروض داشتن مبنای مسئولیت محض چالش‌های ماده ۱۱ و ۱۲ قانون مسئولیت مدنی مرتفع می‌سازد و بحث دولتی و غیردولتی بودن نیز مطرح نمی‌گردد و این قاعده در جهت حمایت از گروه‌های ذی‌نفع در صدور چک عمل کرده و صرف استناد عرفی برای جبران خسارت کافی می‌باشد، چنین برداشتی می‌تواند رویه قضایی را از تشتت آرا و ابهام در تفسیر قوانین مربوطه رها سازد.

۴. واکاوی چالش‌های مسئولیت مدنی بانک‌ها و راهکارهای آن

مستفاد از تبصره ماده ۵ قانون اصلاح قانون صدور چک، در صورتی که تخلف از مقررات مندرج در این ماده منجر به عدم پرداخت شده باشد، بانک یا مؤسسه مالی مسئول جبران خسارت وارده خواهند بود. چالش‌های مسئولیت بانک‌ها در دو بعد تقنینی و قضایی قابل واکاوی می‌باشد:

۴-۱. چالش‌های تقنینی قانون اصلاحی صدور چک ۱۳۹۷ و راهکارهای آن

این قانون مبتنی بر مقابله با صدور چک‌های بلامحل و ممنوعه و دارای کارکردهای مثبت پیشگیرانه می‌باشد و موجب شفافیت و سهولت دسترسی به اطلاعات در جهت افزایش مقبولیت چک می‌باشد (رحمانی و ترابی، ۱۴۰۰: ۱۱۳)؛ در این راستا، قانون‌گذار ضمن در نظر گرفتن سازوکارهای نوین با رویکرد پیشگیرانه به اقدامات پیش از وقوع جرم و بروز

² Strict Liability

خسارت متمرکز است، درحالی‌که بایستی هدف دیگر مسئولیت مدنی به نحو مطلوبی تأمین گردد. این قانون با کاستی‌هایی در زمینه سازوکار جبران خسارت روبرو است، از جمله اینکه حکم ماده ۲۵ الحاقی ۱۳۹۷ شامل تمام تکالیف مندرج در قانون و تخلفات ناشی از آن نیست. در خصوص مجازات تخلفات، نیز این ماده به ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری ۱۳۷۲ ارجاع داده شده است و مجازات مقرر شده در این ماده، شامل اخطار کتبی، کسر حقوق، انفصال موقت، تنزل مقام و گروه، بازخرید، بازنشستگی، اخراج و انفصال دائم می‌باشد؛ در این راستا، این قانون ضمن لحاظ نمودن رویکردهای پیشگیرانه، در خصوص ضمانت اجرای تخلفات و نحوه جبران خسارت با نارسایی‌هایی روبرو است و محتاطانه وضع گردیده است و تخلفات را به‌عنوان یک رویکرد اداری تعبیر نموده است و باهدف کاربست‌های فناوری اطلاعات در این قانون نیز تطابق ندارد، چرا که این قانون ضمن بسترسازی فضاهایی مبتنی بر فناوری اطلاعات و تبدیل سازوکارهای سنتی بانکداری به الکترونیکی، ضمانت اجرا و رسیدگی مبتنی بر نظام اداری غیردیجیتالی و سنتی را برای کارکنان بانک مقرر کرده است.

نکته قابل توجه دیگر این است که بر اساس ماده ۱۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری بانک‌ها از شمول این قانون خارج بوده و تابع مقررات مربوط به خود خواهند بود و تنها بعضی از مجازات مقرر شده در خصوص کارمندان بانک قابلیت اعمال دارد، به‌عنوان مثال مجازات انفصال دائم از خدمات دولتی در خصوص کارمندان بانک خصوصی قابل اعمال نیست؛ در نتیجه سازوکار پیش‌بینی شده با نارسایی‌هایی مواجه است که معلول ضعف قانون‌گذاری است؛ در این راستا، ضرورت داشت سازوکار مطلوبی در جهت ایجاد مسئولیت مدنی برای بانک‌ها در قانون اصلاحی صدور چک پیش‌بینی می‌شد و بانک در فرض تخلف از مقررات قانونی و ورود خسارت در زمره مسئولین پرداخت خسارت به شمار می‌آورد. در این خصوص این سؤال مطرح می‌گردد که این ضمانت اجراها تا چه حد بر رفتار خواندگان دعوی مسئولیت مدنی تأثیرگذار است و هدف مسئولیت مدنی را تأمین می‌کند؟

گفتنی است، این قانون در خصوص مرجع رسیدگی‌کننده به تخلفات (بانک مرکزی) نیز با نارسایی مواجه است و ضرورتی نداشت که رسیدگی به امری قضایی در صلاحیت بانک مرکزی قرار می‌گرفت. مستفاد از قانون رسیدگی به تخلفات اداری، هیأت رسیدگی به تخلفات اداری در همان دستگاه یعنی بانک مرکزی تشکیل می‌شود که با حجم زیادی از پرونده‌ها مواجه می‌گردد و عدم رسیدگی دعوی مسئولیت مدنی در مرجع قضایی، برای واردکننده زیان انگیزه کافی در جهت اجتناب از بروز خسارت و بازدارندگی مطلوب ایجاد نمی‌کند.

با توجه به اینکه رسیدگی به تخلف کارمند خاطر و مسئول شعبه در صلاحیت بانک مرکزی دانسته است و این موضوع موجب تراکم پرونده و رسیدگی طولانی و صرف وقت و هزینه مضاعف برای زیان‌دیدگان خواهد شد (فتوحی راد، ۱۳۹۸: ۷۹-۷۸)؛ در این راستا، ناکارآمدی سازوکار پیش‌بینی شده در این قانون موجب می‌گردد زیان‌دیده به استناد قواعد عام مسئولیت مدنی مطالبه جبران خسارت نماید. سپردن مسئولیت رسیدگی به تخلفات به عهده بانک مرکزی، چالش‌های دیگری را نیز در پی دارد، از جمله اینکه احتمال عدم اقامه دعوی مسئولیت و اثر بازدارندگی نظام مسئولیت مدنی را کاهش می‌دهد؛ همچنین، در این موارد به دلیل پیچیدگی و دخیل بودن عوامل فناوری اطلاعات و رایانه‌ای

دستیابی به اطلاعات و احراز رابطه سببیت پرهزینه و در مواردی غیرقابل دسترس است؛ بنابراین، در بسیاری از موارد زیان دیدگان به دلیل زیاد بودن هزینه دادرسی، دشوار بودن دسترسی به ادله اثبات و احتمال عدم پیروزی از اقامه دعوا نیز صرف نظر می کنند؛ همچنین برخی تعابیر این قانون دارای ابهاماتی می باشد. در خصوص به کار بردن واژه ثالث در تبصره ۵ ماده ۵ قانون مذکور ابهام وجود داشته و دو تعبیر وجود دارد؛ برداشت اول این است که ثالث شامل خواننده دعوی مسئولیت نیست، فلذا صاحب حساب یا دارنده چک که به دلیل تبصره های این ماده متضرر شده اند، بایستی با استناد به مواد عام مسئولیت مدنی و یا قانون پولی و بانکی طرح دعوی کند.

تعبیر دیگر از دیدگاه برخی از حقوقدانان، از واژه ثالث در این تبصره این است که جبران خسارت یادشده فقط به دارنده چک برگشتی محدود نبوده و کلیه دارندگان چک های اصداری را شامل می شود. در واقع قانون گذار، در تدوین قانون جدید بیشتر تأکید بر ایجاد قواعد بانکی در جهت کاهش تعداد چک های بلامحل و جنبه بازدارندگی مسئولیت مدنی داشته است، تا جبران خسارت وارده (اسکینی و یمرلی، ۱۴۰۰: ۲۶-۲۵). حفظ حقوق اشخاص مختلف و ایجاد نظم و انضباط در جامعه با امعان نظر به اصولی مانند عدالت و انصاف که مقبولیت جهانی دارند تأمین می گردد، چرا که حفظ نظم و امنیت مالی و برقراری عدالت اجتماعی لازم و ملزوم یکدیگرند و رعایت آن ها در گرو رعایت ضمانت اجرای مدنی است. در واقع می توان بیان داشت، مهم ترین هدف مسئولیت مدنی اعم از قهری و قراردادی جبران خسارت است؛ به نحوی که زیان دیده با جبران خسارات وارده در موقعیتی قرار گیرد که اگر قرارداد منعقد نمی شد یا فعل زیان بار محقق نمی شد، اکنون در آن وضعیت قرار داشت. در هر دو وجود ضرر یا خسارت لازم است و پس از احراز ورود خسارت نوبت به جبران خسارت می رسد (آقا بابا، ۱۳۹۷: ۵۶-۵۵). علاوه بر جبران خسارت و تنبیه زیان زننده، هدف دیگر مسئولیت مدنی جنبه بازدارندگی است، در واقع کارکرد ترمیمی جبران خسارت بدون کارکرد تنبیهی آن، اهداف مسئولیت مدنی را محقق نخواهد کرد (خشنودی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۶-۱۲۷). در حالی که ضمانت اجرای مقرر شده در این قانون با کاستی هایی روبرو است و اصل تناسب رعایت نشده است و ضمانت اجرای مسئولیت مدنی را به تخلفات اداری تنزل داده است و متضمن حمایت کافی از زیان دیده نمی باشد.

با توجه به نارسایی ها و چالش های مذکور بایستی راهکارهایی پیشنهاد و ارائه گردد. به نظر می رسد سازوکارهای بازرسی و نظارتی بر اجرای قوانین و وظایف مقرر شده از سوی بانک مرکزی و پیش بینی ضمانت اجرای مؤثر توسط مقنن، موجب بهبود فلسفه وضع ماده تبصره ۵ ماده ۵ قانون مذکور و ارتقای هدف پیشگیرانه مقنن خواهد شد. این امر موجب می گردد کارمندان و رئیس به نحو کارآمدتری عمل کنند و نارسایی این قانون نیز مرتفع گردد، اما در کنار تکلیف به انجام وظایفی مانند فراهم نمودن زیرساخت های فناوری اطلاعات و وضع آیین نامه ها و دستورالعمل هایی، محول نمودن مسئولیت رسیدگی به تخلفات کارمندان و مدیران شعب، به بانک مرکزی، موجب عدم تمرکز بر وظایف محول شده و صرف وقت و هزینه مضاعف می گردد؛ همچنین، با توجه به ابهامات این قانون در خصوص نحوه رسیدگی به مسئولیت مدنی کارمندان، بایستی آنها در مراجع قضایی نیز پاسخگو باشند؛ چرا که سپردن رسیدگی به تخلفات به

مراجع و مجاری غیرقضایی، موجب پیچیدگی سازوکار مطالبه خسارت خواهد شد و شایسته‌تر بود که این تکلیف به عهده قوه قضاییه قرار می‌گرفت.

در خصوص نوع خسارت قابل جبران، نیز اگر چه در این قانون تصریح نشده است، اما با توجه به قانون مسئولیت مدنی هر خسارتی (اعم از مادی و معنوی) قابل جبران است. لازم به ذکر است، با پیشرفت فناوری، ورود خسارت معنوی ناشی از خسارت مادی تبعات سنگین‌تری در پی دارد و طبق مبانی فقهی و ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی و ۱۷۱ قانون اساسی تردیدی در جبران آن وجود ندارد (نجف‌آبادی و ناصر، ۱۳۹۷: ۵۰). اعاده‌ی کامل وضعیت زیان‌دیده به وضعیت قبل از وقوع خسارت، کامل‌ترین روش جبران خسارت است که در بسیاری از موارد خسارت معنوی، اعمال این روش غیرممکن است، ولی دادن معادل مالی آن، می‌تواند موجب جبران خسارت گردد (محمودی و مرادخانی، ۱۳۹۴: ۱۷). به طور مثال هنگامی که تجار در معاملات تجاری از چک استفاده می‌کنند و علی‌رغم موجودی حساب به دلیل نقص در سیستم یا سهل‌انگاری کارکنان، با گواهی عدم پرداخت و مسدودی حساب‌های خود مواجه گردد و به حیثیت تجاری وی لطمه وارد گردد و معاملات آتی وی نیز مختل می‌گردد، خسارت معنوی ناشی از ضرر مادی متحمل شده، تبعات سنگین‌تری برای وی در پی خواهد داشت و بایستی جبران گردد.

۲-۴. چالش‌های قضایی مسئولیت مدنی کارمندان و راهکارهای آن

یکی از چالش‌های قضایی و دادرسی در این زمینه، ادله اثبات دعوی می‌باشد. ادله اثبات دعوی، در دعاوی مسئولیت بانک‌ها با چالش مواجه است. نظام سنتی ادله اثبات دعوی که بار اثبات را بر دوش مدعی می‌نهد و نظامی بود مبتنی بر این فرض که طرفین دعوی از جهت دسترسی به منابع اطلاعاتی و توانایی ارائه دلیل در موقعیتی برابر قرار دارند. این فرض در رابطه با بانکداری و رابطه میان بانک و مشتری مصداق ندارد و نابرابری میان طرفین در دسترسی به اطلاعات، در توان تحلیل اطلاعات و در توان طرح دعوی در بانکداری الکترونیک به حدی است که ایجاب می‌کند سازوکار مذکور تغییر یابد و از نظام معکوس که بار اثبات دعوی را بر عهده مدعی علیه می‌گذارد استفاده شود، در واقع در این فرض بایستی بانک عدم رابطه انتساب را اثبات کند (نامجویان و امام، ۱۴۰۱: ۱۲-۱۱). دلیل اصلی این امر این است که ادله اثبات دعوی در این دعاوی عمدتاً داده‌های رایانه‌ای است که در اختیار بانک است؛ بنابراین، معکوس کردن بار اثبات دعوی، نقایص سیستم سنتی ادله اثبات دعوی را در این دعاوی مرتفع می‌کند. (قنبری، ۱۳۹۱: ۱۶۲)

تردید در شناختن مسئولیت شخص حقوقی (بانک) و یا کارمندان و مدیران حسب مورد، موجب تشتت آراء در محاکم و روند رسیدگی خواهد شد. رویه قضایی در مواردی که با وجود احراز خطای کارمند، بانک را مسئول نهایی جبران خسارت می‌شناسد، مطابق با مبانی عدالت و انصاف و در راستای تحقق اهداف مسئولیت مدنی است؛ دعاوی مسئولیت مدنی بانک هم با استناد به مواد قانون مسئولیت مدنی مانند ماده ۱۱ قابل طرح است و هم با استناد به ماده ۳۵ قانون پولی و بانکی. در خصوص استناد به ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، همین که بانک مجهز به وسایل یعنی تدابیر و روش‌های صحیح مدیریت برای انجام کار نبوده است و این امر موجب سوء جریان کارهای بانکی و در نتیجه وقوع خسارت

گردد، از موارد نقص وسایل محسوب می‌گردد و در این حالت بانک نسبت به کارمند سبب اقوی از مباشر محسوب می‌گردد؛ همچنین در صورت استناد به ماده ۳۵ قانون پولی و بانکی کشور، بانک در مقابل خساراتی که در اثر عملیات آن متوجه مشتریان می‌شود مسئول و متعهد به جبران خواهد بود.^۳

این رویکرد با مبنای فقهی نیز سازگارتر است. طبق قاعده "من له الغنم فعلیه الغرم" که با عناوینی دیگر مانند «الخراج بالضمن» و «التلازم بین النماء و الدرک» نیز اطلاق می‌گردد؛ بین انتفاع از یک شیء و پرداخت خسارت ناشی از آن ملازمه برقرار است؛ در نتیجه هر کسی که از امری منتفع می‌گردد، بایستی خسارات آن را نیز به عهده بگیرد (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۰، ۱۷۶)؛ همچنین، به کارگیری زیرساخت‌های تکنولوژی در رابطه با چک با چالش‌هایی روبرو است، به‌عنوان مثال با به کارگیری سامانه‌های فناوری اطلاعات، چالش نفوذ هکرها و یا بدافزارها نیز مطرح می‌گردد و کاربران حین استفاده از سامانه‌های بانکی با ورود به صفحات وب اجازه فعالیت بدافزارها را می‌دهند و خطراتی متحمل می‌گردند (Marshall & Tompsett, 2005: 123). این رویکرد با نظریه خطر نیز مطابقت دارد؛ بنابراین، با توجه به اینکه سود سپرده‌گذاری و استفاده از فناوری‌های نوین و... نصیب بانک می‌گردد، پرداخت خسارت نیز بایستی توسط بانک انجام شود.

چالش دیگر این است که تبصره ۵ ماده ۵ قانون اصلاح قانون صدور چک ۱۳۹۷، صرفاً بیانگر تقصیر است، اما سایر ارکان دعوی خسارت نیز باید به آن افزوده شود (حاجی علی و اندرز، ۱۴۰۰: ۵۲۸)؛ اما بیان تقصیر در این مقرر به معنی پذیرش مبنای مسئولیت مبتنی بر تقصیر نیست. برخلاف نظر مشهور، طبق قواعد فقه امامیه و مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی و ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، صرف رابطه استناد خسارت به فرد، موجب تکلیف زیان‌دیده به جبران خسارت است و تقصیر مبنای مسئولیت و طرح دعوی نیست، بلکه می‌تواند موجب احراز رابطه سببیت شود. لازم به ذکر است، طبق قواعد عام مسئولیت مدنی، عمده‌ترین عامل احراز سببیت و استناد، امر ناهنجار و غیرمتعارف^۴ است، امر ناهنجار می‌تواند، امری غیرطبیعی، نقص تجهیزات، فعل یا ترک فعل باشد (بابایی، ۱۳۹۸: ۱۳۱-۹۱). در هر مورد که عملکرد شخص زیان‌زننده صرف نظر از اوضاع و احوال روحی و جسمی و موقعیت اجتماعی خاص او با رفتار فردی که همواره جانب احتیاط را لحاظ نموده و حقوق دیگران را محترم می‌شمرد، مقایسه شود و عملکرد وی برخلاف فرد محتاط باشد، خطا قلمداد می‌گردد. در این راستا، ملاک تعیین رفتار فرد محتاط، قضاوت عرفی می‌باشد (بابایی، ۱۳۸۱: ۵۵).

لازم به ذکر است در این موارد عرف بانکداری و رفتار خاص کارمندان و یا مدیران با توجه به سلسله‌مراتب اداری مدنظر قرار می‌گیرد؛ بنابراین، اگر در اثر اهمال یا قصور بانک یا عدم رعایت اصول ایمنی و نگهداری اسناد و مدارک یا نقل و انتقال آن‌ها به هر نحو ممکن خساراتی متوجه افراد گردد، آن بانک مسئول و متعهد جبران خسارات وارده خواهد

^۳ شماره دادنامه ۱۷۵۴/۲۶۹۴۰۲۶۹۷۰۹۲۰، تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۶، صادره از دادگاه شعبه ۵۱ دادگاه تجدید نظر استان تهران.

^۴ Abnormality

بود. بدیهی است چنانچه خسارات وارده ناشی از قصور هر یک از کارکنان باشد، بانک موظف است بدو به پرداخت خسارت اقدام و متعاقباً نسبت به تعقیب قضایی و وصول خسارت وارده از کارمند خاطی اقدام نماید و خطای کارمند، مسئولیت بانک را در مقابل مشتری بری نمی‌نماید،^۵ حتی در مواردی که کارمند بانک، عرف بانکداری را رعایت نکرده است^۶ و یا محکومیت کیفری وی نیز محرز باشد، بانک بایستی طبق قانون پولی و بانکی و قانون مسئولیت مدنی خسارت را جبران کند.^۷ در واقع در این موارد رعایت عرف بانکداری به‌عنوان دفاع پذیرفته می‌شود، اما معافیت از مسئولیت را تضمین نمی‌کند، اما در مقابل این دفاع، تخلف از قوانین، تقصیر و رابطه استناد را اثبات می‌کند.

طبق ضوابط و شرایط بانکداری الکترونیک، اگر تجهیزات الکترونیک یا سامانه‌های بانکی به‌درستی عمل نکنند، جبران ضرر ناشی از سهل‌انگاری کارمندان و کارکنان به عهده بانک می‌باشد.^۸ به‌عنوان مثال، کارمندی که با بی‌احتیاطی وظایف خود را در خصوص ثبت عدم پرداخت چک در سامانه انجام نمی‌دهد، رابطه سببیت محرز است و یا امری که از نظر عرف بانکداری ناهنجار و نامتعارف باشد، برای احراز رابطه سببیت کافی است، اما اگر مستند به امری غیرمعمول باشد که کارمند نتواند از بروز آن جلوگیری کند، مانند قطع ناگهانی شبکه و اینترنت، خسارت مستند به کارمند و بانک نیست، چه بسا این امور قابل پیش‌بینی نیز توسط کارمندان نیستند و موجب قطع رابطه سببیت می‌شود.

اگر اسباب مختلفی مانند خطای کارمند، نقص سیستم نرم‌افزاری، اختلال در سامانه‌های هویت سنجی یا اعتبارسنجی و... دخیل در ورود خسارت دخیل باشند؛ باید هر یک از عوامل به‌اندازه تأثیر و انتساب رابطه سببیت از عهده جبران خسارت برآیند، مگر اینکه نقش یک عامل آن‌چنان پررنگ باشد که رابطه سایر عوامل با زیان وارده را قطع کند و علت تامه خسارت به شمار آید (کریمی و مرادی، ۱۳۹۶: ۱۳۵)؛ همچنین، باید نقش سایر ارگان‌ها نیز در نظر گرفته شود، به عنوان مثال، نقش و مسئولیت شرکت‌های فناوری اطلاعات که خدمات بانکداری را ارائه می‌دهند، نیز بایستی لحاظ گردد (السان، ۱۳۹۰: ۹۲). طبق ماده ۷۸ قانون تجارت الکترونیک نیز هرگاه در بستر مبادلات الکترونیکی در اثر نقص یا ضعف سیستم، خسارتی وارد شود، مؤسسات مزبور مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند. در فرضی که چند کارمند با یکدیگر مسئول خسارت تلقی گردد، طبق ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی، مسئولیت آن‌ها تضامنی است؛ همچنین طبق ماده ۱۴۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت مدیران نسبت به تخلفات از مقررات قانونی و... را بر حسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئولیت دارند؛ بنابراین به نظر می‌رسد، نحوه توزیع مسئولیت در این قوانین بر خلاف ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی به تساوی نیست.

^۵ شماره دادنامه ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۵۰۰۰۳۱، تاریخ دادنامه ۱۳۹۲/۳/۱۳، صادره از شعبه ۴۹ دادگاه تجدید نظر استان تهران.

^۶ شماره دادنامه: ۹۳۰۹۹۸۰۲۲۸۵۰۰۷۱۶، تاریخ ۱۳۹۴/۸/۲۰، صادره از شعبه ۶۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

^۷ شماره دادنامه: ۹۵۰۹۹۷۰۲۶۹۵۰۰۲۷۴، تاریخ ۱۳۹۵/۳/۲۲، صادره از شعبه ۵۲ دادگاه تجدید نظر استان تهران.

^۸ برگرفته از شرایط و ضوابط بانکداری الکترونیک، تهیه شده توسط بانک مشترک المنافع استرالیا، ص ۳۴ و ۵۱

قائل شدن مسئولیت محض برای بانک‌ها، موجب می‌شود با پیش بینی اقدامات احتیاطی و دقت در استخدام کارمندان، در راستای اهداف مسئولیت مدنی گام بردارند. اگرچه به این معنی نیست که کارمندان در انجام تکالیف خود بی-احتیاطی و بی‌مبالاتی کنند، در این راستا کارمند باید در برابر خطای سنگین و غیرقابل‌بخشش و یا موارد ارتکاب جرم پاسخگو باشد (بابایی، ۱۳۸۰: ۳۴)، اما در موارد احراز تقصیر کارمند خاطی، بانک بایستی خسارت زیان‌دیده را جبران کند.^۹ گفتنی است، اگر این ماده به گونه‌ای تفسیر شود که مسئولیت مدنی محدود به احراز تقصیر کارمندان باشد، منجر به افزایش سطح رضایت‌مندی از خدمات بانکداری و ضریب اطمینان فعالیت‌های بانکی در عملیات مربوط به چک نمی‌شود، چرا که افزایش رضایت‌مندی استفاده‌کنندگان از خدمات بانکی، به دلیل دارا بودن مسئولیت اجتماعی در جامعه بر افزایش پایداری این سازمان نیز تأثیرگذار است.

مسئولیت اجتماعی به معنی الزامات مدیریت یک سازمان در جهت ارتقای منافع اجتماع و سازمان برای ارائه تصویری بهتر در افکار ذینفعان است. در این راستا، بانک دارای الزامات اجتماعی و حقوقی می‌باشد و باید در برابر جامعه پاسخگو باشد (عزیزی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۱۴-۳۱۲). به عبارت دیگر یک بانک پایدار باید انتظارات همه گروه‌های ذینفع را ملاحظه کند. به بیان صریح‌تر، برای سنجش میزان عملکرد یک بانک، لازم است میزان رضایت‌مندی همه گروه‌های ذینفع آن ارزیابی شود. یک بانک پایدار بایستی به سطح معینی از رضایت کلی برای همه افراد و گروه‌های ذینفع خود دست یابد (تقوی فرد و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۵۶). در نهایت بایستی استدلال نمود، در جهت حمایت از گروه‌های ذی‌نفع و استفاده‌کنندگان از چک و افزایش مقبولیت چک و رضایت‌مندی از خدمات بانکداری، بایستی قائل به مسئولیت محض برای بانک‌ها جهت جبران خسارت باشیم. این نوع مسئولیت موجب می‌شود، بانک نظارت کافی بر اعمال و عملکرد کارمندان داشته باشد و زیرساخت‌های فناوری را به نحو مطلوبی فراهم نماید و علاوه بر اینکه اهداف پیشگیرانه مقنن از اصلاح قانون صدور چک تأمین گردد، سازوکار جبران خسارت نیز به نحو کارآمدی تأمین گردد؛ درحالی که عدم مسئولیت بانک و توسل به اثبات تقصیر کارمند، موجب ناکارآمدی سازوکار جبران خسارت، پیچیدگی دعاوی مسئولیت مدنی و عدم جبران خسارت زیان‌دیده می‌گردد، در صورتی که با در نظر گرفتن مسئولیت مدنی برای بانک، زیان‌دیده با رجوع به بانک، آسان‌تر می‌تواند اقدام به مطالبه خسارت کند؛ همچنین، اهداف مسئولیت مدنی شامل بازدارندگی و جبران کامل خسارت نیز تضمین می‌گردد.

نتیجه‌گیری:

نادیده گرفتن مسئولیت بانک‌ها موجب ناکارآمدی سازوکار جبران خسارت زیان‌دیده ناشی از عملیات بانکی در عملیات مربوط به چک می‌شود، مستفاد از قانون صدور چک مصوب ۱۳۸۲، مسئولیت صرفاً متوجه اشخاصی بود که در صدور و انتقال چک نقش داشته و آن را امضا نموده‌اند، اما تبصره ۵ ماده ۵ لایحه اصلاحی قانون صدور چک ۱۳۹۷

^۹ شماره دادنامه: ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۶۰۱۳۱۷، تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۴، صادره از شعبه ۱۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران.

بانک و کارمندان را مسئول جبران خسارت ناشی از عدم انجام تکالیف مقرر در این ماده و تبصره‌های آن اعلام کرده است، اما تکالیف این ماده شامل ثبت غیر قابل پرداخت بودن در سامانه چک و اقدامات لازم نسبت به صاحب حساب، درج مشخصات نماینده در گواهی عدم پرداخت و موارد رفع سوء اثر از چک می‌باشد و شامل تمامی تکالیف بانک از جمله اعتبارسنجی و هویت سنجی نیست و این مقرر با چالش‌هایی مواجه است. طبق ماده ۲۵ لایحه مذکور نیز به‌طور کلی تخلف از تکالیف مقرر در این قانون، تخلفات اداری محسوب کرده است و رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت بانک مرکزی دانسته است که چالش‌های آن در این نوشتار بررسی گردید.

سازوکاری که به نحو مطلوبی بتواند، منجر به حمایت از دارنده چک بلامحل و افزایش مقبولیت چک در جامعه گردد، این است که با توجه به احراز رابطه سببیت و استناد عرفی، اگر خسارت مستند به کارمندان و یا مسئولین شعب بانک باشد، به استناد ماده ۳۵ قانون پولی و بانکی و قاعده فقهی من له الغنم فعلیه الغرم و مبانی مسئولیت مدنی، بانک بایستی مسئول نهایی جبران خسارت وارده باشد و مسئولیت بانک مبتنی بر نظریه مسئولیت محض باشد. در این راستا، صرف احراز رابطه سببیت بین خسارت وارده و عملکرد کارمند برای جبران خسارت توسط بانک کافی است و با توجه به دشواری دسترسی به ادله در این دعاوی و دلایلی که ذکر گردید، شناخت مسئولیت برای بانک منطبق با اهداف مسئولیت مدنی و حمایت از گروه‌های ذی‌نفع می‌باشد. در غیر این صورت اگر صرفاً کارمندان را مسئول تلقی نماییم، بانک از مسئولیت و وظایف خود و نظارت بر کارمندان شانه خالی می‌کند، درحالی‌که منافع عمده سپرده‌ها و افتتاح حساب‌ها نصیب بانک می‌شود، نه کارمندان؛ همچنین کارمندان ممکن است توانایی مالی جبران خسارت را نداشته باشند. در نهایت بایستی بیان نمود که عدم پیش‌بینی ضمانت اجراهای کارآمد در این قانون، در جهت خلاف منافع گروه‌های ذی‌نفع، مسئولیت اجتماعی و پایداری بانک را با چالش روبرو می‌سازد؛ بنابراین، راهکاری که به مقنن پیشنهاد می‌شود، این است بانک در زمره مسئولین چک شناخته شود و در دعاوی مسئولیت مدنی، صرف استناد عرفی و انتساب بانک تا سقف خسارت وارد شده مسئول جبران خسارت باشد. قائل شدن مسئولیت مدنی برای بانک موجب می‌شود، مدیریت بانک در نحوه عملکرد کارمندان نظارت نماید و کارمندان احتیاط لازم را انجام داده و در انجام تکالیف خود سهل‌انگاری نکنند. با به‌کارگیری این سازوکار بخشی از مشکلات حقوقی بانکی در کشور در رویه قضایی مرتفع می‌گردد، همچنین، رسالت مسئولیت مدنی یعنی جبران خسارت و پیشگیری و منع از ارتکاب افعال خلاف هنجارهای اجتماعی، محقق می‌شود.

پیشنهادات پژوهش

در جهت جلوگیری از تشتت آرای قضایی و اتحاد رویه قضایی و دکترین در این زمینه به لحاظ ابهام و نارسایی قانون، بایستی در اصلاحات بعدی قانون صدور چک، چالش‌ها در خصوص مسئولیت بانک‌ها بازنگری و اصلاح و تکمیل گردد، ضروری است در این زمینه، قانونی جامع و رسا تدوین گردد که سکوت، اجمال، ابهامات و نقص‌ها برطرف گردد. با توجه به اینکه اصلاحات صورت گرفته تاکنون نتوانسته است سازوکاری جامع در خصوص مسئولیت بانک‌ها

ارائه دهد و حتی رأی وحدت رویه‌ای نیز در ایزن زمینه در جهت حل اختلافات قضایی مجال طرح و تبیین پیدا نموده است، پیشنهاد می‌گردد، در بازنگری‌های این قانون، مقررات مربوط به جبران خسارت به نحو کارآمدی مد نظر قرار گیرد تا از بار تشمت قضایی در این زمینه کاسته شود.

منابع و مآخذ

- ۱) اسکینی، ربیعا. (۱۳۸۲). نقش بانک‌ها در پیشگیری از صدور چک بلامحل، نامه مفید، سازمان انرژی اتمی، شماره ۳۷، دوره ۹.
- ۲) اسکینی، ربیعا، یمرلی، صالح. (۱۴۰۰). نوآوری‌های قانون اصلاح صدور چک مصوب ۱۳۹۷؛ گامی به پس یا گامی به پیش»، مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲۰، شماره ۴۶.
- ۳) آقا بابا، زهرا. (۱۳۹۷). بررسی شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی در ایران و حقوق نوین اروپا، فصلنامه مطالعات حقوقی، شماره ۱۹.
- ۴) امامی، سید حسن. (۱۳۵۲). مسئولیت مدنی، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه ملی ایران، شماره ۱.
- ۵) امامی، سید حسن. (۱۳۸۱). حقوق مدنی، جلد ۱، تهران: انتشارات اسلامیه.
- ۶) بابایی، ایرج. (۱۳۸۰). مبنای مسئولیت کارفرمایان در ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۵.
- ۷) بابایی، ایرج. (۱۳۸۱). بررسی عنصر خطا در حقوق مسئولیت مدنی ایران، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۴، شماره ۷.
- ۸) بابایی، ایرج. (۱۳۹۸). حقوق مسئولیت مدنی و الزامات خارج از قرارداد، میزان، چاپ دوم.
- ۹) بابایی، ایرج. (۱۳۹۹). مفهوم مسئولیت مدنی، فصلنامه تخصصی دانشنامه‌های حقوقی، دوره ۳، شماره ۶.
- ۱۰) بادینی، حسن. (۱۳۸۴). فلسفه مسئولیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۱۱) بادینی، حسن، عباسی، سمیه. (۱۳۹۶). ارزیابی مسئولیت مدنی و مقررات ایمنی در پیشگیری از فعالیت‌های خطرآفرین، مجله حقوقی دادگستری، سال ۸۱، شماره ۹۹.
- ۱۲) تقوی فرد، محمد تقی، حبیبی، رضا، گرگین، معین. (۱۳۹۸). ارزیابی عملکرد پایدار بانک بر مبنای مدل مطلوبیت چند شاخصه، راهبرد مدیریت مالی، سال هفتم، شماره ۲۵.
- ۱۳) جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۷). ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، چاپ نوزدهم، شماره ۵۱۱۴.
- ۱۴) حاجی ده آبادی، احمد. (۱۳۹۰). جبران دولتی خسارت بزه دیده و سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران، از هست‌ها و نیست‌ها تا باید‌ها و نباید‌ها، فصلنامه حقوق، دوره ۴، شماره ۱.
- ۱۵) حاجی علی، محمدتقی، اندرز، داوود. (۱۴۰۰). نوآوری‌های اصلاحات قانون صدور چک و خلأهای قانونی آن، مجله حقوق پزشکی ویژه‌نامه نوآوری حقوقی.

- ۱۶) خشنودی، رضا، علیپور، رضا، شکوهیان، سید علیرضا. (۱۳۹۶). مبانی نظری، اهداف و شیوه‌های جبران خسارت در حقوق رقابت، تهران، نشریه حقوقی دادگستری، شماره ۹۹.
- ۱۷) دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). لغتنامه دهخدا، تهران: انتشارات تهران، چاپ اول.
- ۱۸) رحمانی، حسین، ترابی، ناصر. (۱۴۰۰). واکاوی نوآوری‌های جدید قانون صدور چک، چالش‌ها و آثار آن، مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، سال سوم، شماره ۳۲.
- ۱۹) رحیمی، حبیب‌الله، طرف، فاطمه. (۱۳۹۷). بررسی ویژگی‌های عدالت مطلوب در ماده اول قانون مسئولیت مدنی ایران در مقایسه با نظریه عدالت توزیعی جان راولز، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال هفتم، شماره ۲۵.
- ۲۰) رستمی نجف‌آبادی، حامد، ناصر مهدی. (۱۳۹۷). تحلیل حقوقی ماهیت خسارت معنوی و طرق جبران آن در پرتو آرای فقهی، فصلنامه علمی پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ۱۱، شماره ۳.
- ۲۱) رستمی، ولی، بهادری جهرمی، علی. (۱۳۸۸). مسئولیت مدنی دولت، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۱.
- ۲۲) ژوردن، پاتریس. (۱۳۸۵). اصول مسئولیت مدنی، ترجمه و تحقیق مجید ادیب، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- ۲۳) السان، مصطفی. (۱۳۹۲). حقوق بانکداری اینترنتی، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی.
- ۲۴) ستوده تهرانی، حسن. (۱۳۸۴). حقوق تجارت، جلد سوم، چاپ دهم، نشر دادگستر.
- ۲۵) عزیزی، نرجس، محسنی، رضا علی، تاج‌الدین، محمدباقر. (۱۳۹۷). فعالیت‌های داخلی و خارجی مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها در نظام بانکی و بررسی رابطه آن با سرمایه اجتماعی، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره ۵، شماره ۱۱.
- ۲۶) عمید، حسن. (۱۳۴۵). فرهنگ عمید، چاپ دوم، انتشارات امیرکبیر.
- ۲۷) غمامی، مجید. (۱۳۷۶). مسئولیت مدنی دولت، چاپ اول تهران، انتشارات دادگستر.
- ۲۸) فتوحی راد، علی. (۱۳۹۸). حقوق دارنده چک و نوآوری‌های قانون اصلاحی صدور چک، وکیل مدافع، دوره ۹، شماره ۱۸.
- ۲۹) فرح‌بخش مجتبی. (۱۳۸۷). بررسی تغییرات و نوآوری‌های قانون اصلاح قانون صدور چک ۱۳۸۲، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۱.
- ۳۰) قنبری، حمید. (۱۳۹۱). معکوس نمودن بار اثبات دعوی در بانکداری، مجموعه مقالات اولین همایش بانکداری الکترونیک، تهران: پژوهشگاه پولی و بانکی.
- ۳۱) کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷). الزام‌های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی، جلد ۱، قواعد عمومی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ هشتم.
- ۳۲) کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۷). دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، انتشارات گنج دانش، چاپ سوم.

- ۳۳) کاشانی نیا محمد کریم، کریمیان، محمد وزین. (۱۳۸۱). بررسی عوامل و انگیزه‌های صدور چک بلامحل در ایران و ارائه راه‌هایی برای پیشگیری و مقابله با آن، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۵ و ۶.
- ۳۴) کاظمی، محمود، بنایی اسکویی، مجید. (۱۳۹۸). نظام مسئولیت مدنی در قانون مدنی ایران و فقه امامیه (خلأ قانون مدنی در زمینه مسئولیت مدنی)، دانشنامه‌های حقوقی، شماره ۳.
- ۳۵) کریمی، عباس، مرادی، یاسر. (۱۳۹۶). مسئولیت مدنی بانک‌ها در عقود مشارکتی، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۲۱.
- ۳۶) محقق داماد، سید مصطفی، مرادی، یاسر. (۱۳۹۷). تحلیل مسئولیت بانک‌ها در قبال مشتریان، موانع و راهکارها، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هجدهم، شماره ۷۲.
- ۳۷) محمودی سعیده، مراد خانی، احمد. (۱۳۹۴). جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق ایران، مطالعات فقهی و فلسفی، سال ششم شماره ۲۲.
- ۳۸) مسعودی، علیرضا. (۱۳۸۷). حقوق بانکی، چاپ اول، تهران، انتشارات پیشبرد.
- ۳۹) معین، محمد. (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی، چاپ هشتم، انتشارات امیرکبیر، جلد یک.
- ۴۰) مؤتمنی طباطبایی، منوچهر. (۱۳۷۳). حقوق اداری، حقوق اداری، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- ۴۱) میرزایی گرمی، احمد، لطفی دودران، علیرضا، باشکوه، مظفر. (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی مبانی نظری، اهداف و شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی، در حقوق موضوعه ایران، فرانسه و انگلستان، فصلنامه علمی، پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۳.
- ۴۲) میرشکاری، عباس. (۱۳۹۲). مسئولیت مدنی بانک‌ها، فصلنامه رأی، شماره ۲.
- ۴۳) نامجویان، محمدرضا، امام، سید محمدرضا. (۱۴۰۱). ماهیت مسئولیت مدنی بانک ناشی از اسکیمینگ بر مبنای قواعد فقهی، نشریه علمی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، دوره ۱۵، شماره ۴ (پیاپی ۵۶).
- ۴۴) وطنی اجیرلو، بختیار، رجب زاده اصطهباناتی، علیرضا، مظلوم رهنی، علیرضا. (۱۴۰۱). بررسی و تحلیل مسئولیت کارمندان بانک در رویه قضایی، مقاله علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره ۹.
- ۴۵) یزدانیان، علیرضا. (۱۳۸۶). حقوق مدنی، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، تهران، میزان، چاپ اول.
- 46) Electronic Banking, Terms and conditions, 31 October 2023. https://www.commbank.com.au/personal/apply-online/download-printed-forms/ElectronicBanking_ADB2426.pdf
- 47) Ibboston, P. (2003). E-Banking and the SME / Bank Relationship in Northern Ireland. International Journal of Bank Marketing.
- 48) Marshall, Angus M. & Brian C. Tompsett. (2005). Identity theft in an online world», Computer Law & Security Report, Vol. 21(2), February.
- 49) Mia Hannan, Rahman Mohammad Anisur, Uddin main. (2007). E-Banking: Evolution, Status and Prospect, Journal of Institute of The Cost & Management Accountants of Bangladesh, volume 35 No.1.

Analyzing the Mechanism of Civil Liability of Banks in the Light of the Analysis of the Amended Check Issuance Law of 1397

Mahsa Sattari¹

Abstract

In banking operations, there is always a possibility of customers being harmed. Given the widespread use of checks in transactions and protecting the rights of holders, the effectiveness of the regulations related to compensation in the event of the banking system's fault is important. By amending the Check Issuance Law of 1397 with a preventive approach, the legislator has updated and implemented information technology infrastructures such as the Sayyad and Nahab systems, the National Credit Verification System, etc., which has complicated the interactions between banks and stakeholder groups and increased the error rate and risk in banking operations related to checks. Given that bank employees and managers are considered the executive arms of providing banking services and that negligence and non-compliance with legal regulations by them may cause damage, the 1397 Check Issuance Law Amendment Law provides for performance guarantees for banks and their employees and managers for failure to perform their duties, but who, to what extent, and based on which theory should compensate for the damage is ambiguous and challenging. In this regard, examining the extent to which the policies and innovations considered are effective in increasing the validity of checks and protecting the rights of the holder requires examining the principles of liability of banks and their employees and managers and the challenges of the 1397 Check Issuance Law Amendment Law, and failure to examine this issue will lead to a divergence of judicial opinions in this regard. It seems that the theory of strict liability of banks and its reliance can increase the confidence of customers in check-related operations. The approach of this article is descriptive-analytical and critical, and the materials were collected using digital library resources.

Keywords

Bank liability, civil liability, compensation, check issuance law, monetary and banking law

¹Master of Private Law, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.